

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۳

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰۶/۱۹

صفحات: ۱۶۹ - ۲۰۰

اقتصاد مقاومتی، دیپلماسی اقتصادی و موافقتنامه‌های ترجیحی

علی ادیبی

دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق بین‌الملل، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبئی، امارات متحده عربی

توکل حبیب زاده*

دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

چکیده

با توجه به وضعیت ویژه ای که جمهوری اسلامی از بدو حیات خود با آن روبرو بوده و تحریم‌های مختلف اقتصادی که در این دوره تحمیل گردیده است، تمهیدات مختلفی مدیریت این وضعیت اتخاذ گردیده است. از جمله این تمهیدات نمود اقتصاد مقاومتی در دستور عملکردی دولت است. اما این تمهید نه تنها در جایگاه خود مورد بازاندیشی قرار نگرفته بلکه سوء تعبیرهای مختلف در این حوزه، آن را از هدف موردنظر دور کرده است. از طرفی دیگر امروزه دیپلماسی اقتصادی پا به پای دیپلماسی سیاسی سعی در ایجاد فضایی مناسب در راستای جذب سرمایه گذاری خارجی دارد. شاید نتوان گفت موافقت نامه‌های ترجیحی راهکار بلامنازع در این امر بوده و ماهیت دیپلماسی اقتصادی را در نظر دارد، اما با مولفه‌های اقتصاد مقاومتی و نیز گسترش مبادلات تجاری منطقه ای از یک طرف و تصویب مقررات تسهیل کننده سرمایه گذاری می توان به نتایج مثبتی در این زمینه نائل شد. این مقاله در پی تبیین و تحلیل امکان سنجی مولفه‌های اقتصاد مقاومتی، با دیپلماسی اقتصادی برای تفوق بر عرصه‌های تجارت منطقه ای از یک سو و آزاد سازی تدریجی اقتصاد کشور با همراهی مقررات جامع می باشد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، سرمایه گذاری خارجی اقتصاد مقاومتی، دیپلماسی اقتصادی، موافقت نامه‌های ترجیحی، سرمایه گذاری خارجی.

۱- مفاهیم و مبانی

۱-۱ مفهوم سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه در اصطلاح به آن دسته از ثروت‌های نقدی و غیرنقدی گفته می‌شود که به همراه دیگر عوامل نظیر نیروی کار و منابع طبیعی در فعالیت‌های اقتصادی نظیر تولید، مبادله و بانکداری به کار گرفته می‌شود. (سیفی اردبیلی و فتحی نژاد، ۱۳۹۲: ۶) سرمایه در معنای وسیع کلمه، کالای اقتصادی است که بالقوه یا بالفعل مولد کالای اقتصادی دیگر باشد و انواع آن عبارت است از پول نقد، کارخانه، ماشین‌آلات و قطعات آن‌ها، ابزار، حق اختراع، خدمات تخصصی و امثال آن‌ها. (ماده ۱ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی) بر طبق ماده یک قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی سرمایه‌گذاری عبارت است از انواع سرمایه اعم از نقدی و یا غیرنقدی که توسط سرمایه‌گذار خارجی به کشور وارد می‌شود و شامل موارد زیر می‌گردد:

وجوه نقدی که به صورت ارز قابل تبدیل، از طریق نظام بانکی یا دیگر طرق انتقال وجوه که مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باشد، به کشور وارد شود؛
ماشین‌آلات و تجهیزات؛

ابزار و قطعات یدکی قطعات منفصله و مواد اولیه، افزودنی و کمکی؛

حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری و خدمات تخصصی؛

سود سهام قابل انتقال سرمایه‌گذاری خارجی؛

سایر موارد مجاز با تصویب هیأت دولت؛

سرمایه‌گذاری^۱ عبارت است از عدم استفاده از منابع در زمان حال و به جریان اقتصادی انداختن آن به امید به دست آوردن منابع جدید در آینده که منابع جدید از منابع فعلی دارای ارزش بیشتری می‌باشد. در این فرآیند نرخ بهره، تورم و بازده مورد انتظار نیز می‌بایست بررسی شود. سرمایه‌گذاری بر اساس زمان به کوتاه مدت، میان مدت، و بلند مدت تقسیم می‌شود که در سرمایه‌گذاری کوتاه مدت در دوره‌های کمتر از یکسال و سرمایه‌گذاری در دوره‌های میان مدت و بلند مدت در دوره‌های بیش از یکسال اتفاق می‌افتد. بحث ریسک سرمایه‌گذاری نیز که به

اقتصاد مقاومتی، دیپلماسی اقتصادی و موافقتنامه‌های ترجیحی ◊
معنای عدم اتفاق افتادن سودهای آینده و یا عدم رشد سرمایه‌گذاری و یا هر موضوع دیگری که منجر به زیان سرمایه‌گذار می‌شود نیز از مباحث مهم سرمایه‌گذاری می‌باشد. سرمایه‌گذاران براساس ریسک پذیر بودن به سرمایه‌گذاران ریسک‌پذیر یا محافظه‌کار تقسیم می‌گردند. (پیران، ۱۳۸۹: ۴۹)

سرمایه‌گذاری خارجی عبارت است از سرمایه‌گذاری که متضمن روابط اقتصادی بلندمدت بوده و نشان‌دهنده‌ی منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم یک کشور (شرکت مادر) بر واحد اقتصادی مقیم کشور دیگر (شعبه فرعی بنگاه مادر) است. (مرادی و ایران پرست، ۱۳۸۵: ۹۵)
سرمایه‌گذاری خارجی عبارت است از به کارگیری سرمایه خارجی در یک بنگاه اقتصادی جدید یا موجود پس از اخذ مجوز سرمایه‌گذاری. (مرادی و ایران پرست، ۱۳۸۵: ۱۰۲)

سرمایه‌گذاری خارجی عبارت است از به کارگیری سرمایه‌های خارجی در یک بنگاه اقتصادی جدید یا موجود پس از اخذ مجوز سرمایه‌گذاری، در کشور میزبان که معمولاً به شکل سرمایه‌گذاری در تولید و ساخت کالا، استخراج مواد خام، تأسیس و گسترش نهادهای مالی و غیره در فراسوی مرزهای ملی انجام می‌شود. سرمایه‌گذاری اغلب به جریان تولید تحرک بخشیده و موجب رشد تجارت بین‌الملل، افزایش سطح رفاه زندگی و گسترش موزون توسعه اقتصادی در سطح جامعه می‌شود. به منظور گریز از مشکل کمبود سرمایه که یکی از علل اصلی عقب ماندگی برخی از کشورها می‌باشد، اکثر کشورها به اقداماتی همچون اصلاح و تکمیل تسهیل قوانین و مقررات خود برای جذب سرمایه‌های خارجی روی آورده‌اند.

۱-۲ مفهوم اقتصاد مقاومتی

براساس فرمایشات مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی را به طور خلاصه اینگونه می‌توان تعریف کرد: اقتصادی که در شرایط دشواری، تهدید و دشمنی به اهداف خودش برسد. در واقع اقتصاد مقاومتی همان است که با وجود تلاطم‌ها، دشمنی‌ها، با وجود فضای ناملایمی که در درون خودش یا به صورت تحمیلی از خارج بر آن حاکم می‌شود، بتواند آن اهدافی را که برای خودش تنظیم کرده، محقق کند و به آن‌ها برسد، چنین اقتصادی اقتصاد مقاومتی خواهد بود (یلفانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵).

این واژه اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. در همین دیدار، رهبر معظم انقلاب «اقتصاد مقاومتی» را معنا و مفهومی از کارآفرینی

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» را معرفی نمودند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۶ / ۶ / ۸۹) برای مفهوم اقتصاد مقاومتی در همین مدت زمان کم، تعاریف متفاوتی ارائه شده که هر کدام از جنبه‌ای به این موضوع نگاه کرده‌اند. در این میان، تعریف جامع و کامل از اقتصاد مقاومتی را ایشان در دیدار با دانشجویان اینگونه ارائه داده‌اند که:

«اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد.» الگو و طرحی که در این تعریف وجود دارد، بیانگر اصولی کلی است که بایستی آن‌ها را با قوانین و مقررات منطقی و درست و به دور از هیجانات تفسیر و در راستای منافع ملی تعبیر کرد. پس می‌توان اقتصاد مقاومتی را پرتویی از دیپلماسی اقتصادی خواند که در راستای اعتلای اقتصاد کشور مقرراتی را برای جذب سرمایه خارجی از یک سو، خودکفایی و استقلال از سوی دیگر، که سعی می‌کند تعامل اقتصادی با فراتر از مرزها داشته باشد، باز تعریف نمود.

۱-۳ مفهوم موافقتنامه‌های ترجیحی

موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی (PTA) عبارتند از موافقتنامه‌هایی بین دو یا چند کشور که به موجب آن‌ها دو یا چند شرکت تجاری رفتار ترجیحی تجاری دو یا چند جانبه نسبت به تجارت بین خود دارند. در این نوع موافقتنامه‌ها لزومی ندارد که این ترجیحات بر کل تجارت کشورهای عضو تعمیم یابد و بلکه بستگی به نوع موافقتنامه ترجیحی تجاری دارد. اعضای اکثر موافقتنامه‌های ترجیحی تجاری به یک منطقه جغرافیایی تعلق دارند، به همین دلیل به این نوع موافقتنامه‌ها، موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای (RTAs) نیز اطلاق می‌شود. (موحد، ۱۳۸۵: ۱۷۴) این در حالی است که وقتی سیستم تجارت چند جانبه به طور واضح، به بن بست تجاری می‌رسد، موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی (PTA) اهمیت بسیار بیشتری را در آزاد سازی تجارت و شکل دادن به تعهدات تجاری بسیاری از کشورها به دست می‌آورند. (Limão, 2016; 8)

به دنبال افزایش چشمگیر صادرات و واردات در اقتصاد جهانی، توجه به موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی در سطح جهان و از جمله در منطقه آسیا گسترش یافته است. در حال حاضر حدود ۹۷ درصد از کل تجارت جهانی متعلق به کشورهای است که حداقل عضو یکی از موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی می‌باشند، در حالیکه این نسبت در سال ۱۹۹۰ حدود ۷۲ درصد

اقتصاد مقاومتی، دیپلماسی اقتصادی و موافقتنامه‌های ترجیحی \diamond بوده است. کشورهای ترکیه، پاکستان و ایران از جمله کشورهایی هستند که اخیراً به سمت انعقاد موافقتنامه‌های تجاری دو جانبه در خاورمیانه و بویژه با کشورهای مسلمان و همسایه خود گرایش پیدا کرده‌اند. به موجب این موافقتنامه‌ها تعرفه‌های وضع شده بر کالاهای تولید شده در کشورهای عضو، کمتر از تعرفه‌های وضع شده بر کالاهای تولید شده در کشورهای غیر عضو می‌باشد. (منطقی و تقوی، ۱۳۸۷: ۱۸۱)

۱-۴ نقش موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی در فرآیند سرمایه‌گذاری

نقش این موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی را تکمیل سیستم تجارت چندجانبه یا حتی جایگزینی در عرصه بین‌الملل در نظر می‌گیرند. در طی دهه‌های اخیر در مورد این مسأله که آیا افزایش تعداد موافقتنامه‌های تجارت آزاد سنگ بنای مستحکمی برای برقراری آزادی تجاری چندجانبه یا مانعی بر سر راه آن به شمار می‌رود قلم‌فرسایی فراوان شده است. بیشتر بحث‌های موجود، بر روی تأثیر موافقتنامه‌هایی تمرکز کرده‌اند که در درجه اول دو جانبه هستند یا ابتدائاً در قلمرو یک منطقه جغرافیایی منعقد شده‌اند. در دهه اخیر گرایش جدیدی در مورد مذاکرات تجاری ایجاد شده است. در این حرکت جدید، موافقتنامه‌ها عموماً بین دو یا سه کشور منعقد می‌شوند، در حوزه عضویت به اندازه قبل محدود به کشورهایی از یک منطقه جغرافیایی نیستند و موضوع توافق چیزی ماورای مسائل مطرح در موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت است. این مذاکرات جمعی باعث بروز مسائل جدیدی در حیطه سیستم تجارت چندجانبه می‌گردد. در تبیین موضوع گفتنی است که: «بررسی موافقتنامه‌ها بر اساس اطلاعات دریافتی از پاسخ‌های مکتوب به سوالات مکتوب اعضای سازمان تجارت جهانی یا از طریق جواب‌های شفاهی به سوالات مطروحه در جلسات کمیته موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای انجام می‌شود» (کمالی اردکانی، ۱۳۸۴: ۹۸). در این قسمت با بررسی برخی از این موافقتنامه‌ها در عرصه بین‌المللی سعی می‌شود تأثیر آن‌ها بر سیستم تجارت چندجانبه را تحلیل کنیم.

پیمان مشارکت فرا پاسیفیک^۱: این پیمان؛ یک موافقتنامه تجارت آزاد می‌باشد که میان یازده کشور منعقد شده است: استرالیا، برونئی، کانادا، شیلی، مالزی، مکزیک، زلاندنو، پرو، سنگاپور، ایالات متحده آمریکا و ویتنام. همچنین قرار است ژاپن هم به جمع کشورهای

1. Trans – pacific partnership

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

مذاکره‌کننده افزوده شود. از پیمان مشارکت فراسیفیک به عنوان «توافقنامه تجارت قرن بیست و یکم» تعبیر شده است. این موافقتنامه به دلیل تنوع جغرافیایی اعضای آن و هم به خاطر حوزه پوششی جاه طلبانه آن به عنوان یک موافقتنامه بدیع و نو مورد توجه قرار گرفته است. توافقنامه مورد بحث ریشه در توافقنامه تجاری P-4 دارد که میان کشورهای بورنی، شیلی، زلاندنو و سنگاپور منعقد شده بود. این کشورها تمایل داشتند یک توافقنامه تجاری با استانداردهای بالا منعقد نمایند که نهایتاً به عنوان مدل توافقنامه تجارت آزاد آسیا و اقیانوس آرام بکار آید و نیز متعهد بودند که دسترسی آزاد به بازار کالاهای مختلف را بدون هرگونه تبعیض تسهیل کنند. (Meredith, 2013). البته پس از ۱۷ دوره مذاکره هنوز عدم اطمینان زیادی در این خصوص وجود دارد.

۲۱ عضو سازمان تجارت جهانی^۱ پس از ناامیدی از پیشرفت لازم در جهت آزادسازی بیشتر تجارت خدمات به همراه ۴۷ کشور عضو اتحادیه اروپا در حال آماده شدن برای مذاکره در مورد یک موافقتنامه جدید تجارت خدمات هستند که در حوزه دسترسی به بازار و تعهدات مربوط به آن نگاهی بسیار بلند پروزانه دارد. این پیمان، موافقتنامه تجارت خدمات (TiSA)^۲ و گاهی نیز موافقتنامه خدمات بین‌المللی (ISA)^۳ خوانده می‌شود با وجود این، هنوز مشخص نیست که آیا موافقتنامه تجارت خدمات در چارچوب سازمان تجارت جهانی خواهد بود یا خیر؟

در این خصوص گزینه‌های مختلفی مطرح شده است: یکی از گزینه‌ها این است که آن را یک موافقتنامه جمعی به حساب آوریم که تحت پوشش ضمیمه چهارم (همانند موافقتنامه در مورد خریدهای دولتی)^۴ قرار می‌گیرد. البته براساس بند ۹ ماده ۱۰ موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی (موافقتنامه مراکش)، قبول این گزینه منوط به رضایت تمام اعضای سازمان است.^۵ به نظر بعید می‌رسد که همه کشورهای در حال توسعه سازمان تجارت جهانی که دخالتی در جریان مذاکرات موافقتنامه تجارت خدمات ندارند، به اضافه شدن این موافقتنامه به اسناد دیگر

۱. استرالیا، کانادا، شیلی، چین تایپه، کلمبیا، کاستاریکا، اتحادیه اروپا، هنگ کنگ، ایسلند، اسرائیل، ژاپن، کره، مکزیک، زلاندنو، نروژ، پاکستان، پاناما، پرو، سوئیس، ترکیه و ایالات متحده آمریکا

2. Trade in Services Agreement (TiSA)

3. International Services Agreement (ISA)

4. Agreement on Government Procurement

۵. بر اساس این ماده: کنفرانس وزرا با درخواست تمام اعضای موافقتنامه تجارت می‌تواند پس از اجماع تصمیم بگیرد که این موافقتنامه را به ضمیمه چهارم اضافه کند.

اقتصاد مقاومتی، دیپلماسی اقتصادی و موافقتنامه‌های ترجیحی ۵

سازمان رضایت دهند. در حال حاضر هیچ‌یک از کشورهای عضو BRICS^۱ مذاکرات مربوط حضور ندارند و برخی از این کشورها اعلام کرده‌اند که هرگونه مذاکره جمعی خارج از چارچوب سازمان تجارت جهانی ممکن است سیستم مذاکرات تجاری چندجانبه را از پایه ویران کند.^۲

گزینه دیگر آن است که موافقتنامه مورد بحث در قالب یک پروتکل خدمات خاص یعنی خدمات مالی و ارتباط از راه دور به گاتس ملحق شود. این رویکرد نیز دور از ذهن به نظر می‌رسد زیرا چنین عملی احتیاج دارد که تمام اعضای موافقتنامه تجارت خدمات براساس شرط دولت کامله‌الوداد تمام امتیازات اضافی موجود در این موافقتنامه را به آن دسته از اعضای سازمان تجارت جهانی که عضو موافقتنامه مذکور نیستند نیز اعطا کنند. اگرچه ممکن است این مسأله به عنوان یک حرکت تجاری سودآور به نظر برسد (زیرا کشورهای عضو TiSA نیز از امتیازاتی بهره‌مند خواهند شد) اما این ذهنیت که کشورهایی مانند چین، هند و برزیل بدون اینکه هیچ تعهدی بر عهده بگیرند از امتیازات به دست آمده از TiSA استفاده کنند باعث گردیده که این رویکرد جذابیت خود را از دست بدهد.

گزینه دیگر اینکه این مذاکرات ممکن است به توافق یکپارچه اقتصادی خارج از چارچوب سازمان جهانی تجارت با توجه به ماده ۵ گتس منجر شود که مانند ماده xxIV موافقتنامه عمومی تعرفه و تجاری ۱۹۹۴ برای تجارت کالا اعضاء سازمان را مجاز به ورود به سرویس‌های جامع خدمات FTA با یک یا چند عضو دیگر سازمان جهانی تجارت می‌کند. این گزینه ممکن است ساده‌ترین راه برای رسیدن به توافق باشد ولی این امر نمی‌تواند به طور مستقیم به هدف پیوستن TiSA به سازمان جهانی تجارت بپردازد.

حال اینکه این موافقتنامه‌ها تا چه اندازه می‌تواند در سرمایه‌گذاری خارجی موثر باشد، بسته به دامنه موانع غیر تعرفه‌ای^۳ از یک طرف و نوع معافیت‌های تعرفه‌ای از سوی دیگر باشد. برای تبیین موضوع بهتر از اینگونه مسئله را با این سوال که: آیا روش معناداری برای سیاست‌های تعرفه‌ای وجود دارد که بتواند عمق همکاری‌های برآیند از موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی را

۱. اتحادیه پنج ابر اقتصاد در حال ظهور دنیا شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی

(BRICS: Brazil, Russia, India, China, South Africa)

2. Formal Plurilateral Services Negotiations May be Launched in March, Int'l Ctr. for Trade and Sustainable Dev., Bridges Africa Volume 1, Number 6, (Dec. 20, 2012), <http://ictsd.org/i/news/bridges-africa-review/152186/>.

3. non-tariff barriers (NTB)

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

رتبه‌بندی کند؟ به عبارت دیگر سازوکاری برای اینکه این موافقتنامه‌ها چه حوزه‌ای را در بر می‌گیرد وجود دارد یا خیر؟ در برخی موارد، پاسخ به وضوح بله است. نوع همکاری در یک توافقنامه زمانی جامع‌تر است که نه تنها تعرفه صفر را تعیین می‌کند بلکه همواره آن را در سطح حداکثر همکاری قرار می‌دهد. (لیماثو، ۲۰۱۶: ۸) پس در حال حاضر بحث در مورد این جایگاه می‌باشد. پس هر چه تعرفه‌ها و نوع همکاری در موافقتنامه‌ها وسیع‌تر باشد می‌تواند دامنه واردات محصولات مبنایی را آسان و به تبع آن به تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی همت گمارد.

با این تفسیر باید ادعان کرد در چند دهه اخیر دور جدیدی از یکپارچگی اقتصاد جهانی و همگرایی اقتصادی در سطح جهان شتاب پیدا کرده که این شتاب، وابستگی روز افزونی را برای کشورهای جهان رقم زده است. پس کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه برای تعمیق و توسعه روابط اقتصادی و تجاری و در جهت حرکت در راستای این شتاب جهانی سعی در همگرایی اقتصادی داشته تا به این طریق بتوانند به جذب سرمایه‌گذاری خارجی وسیع‌تری نائل آیند. «همچنین، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تجارت و سرمایه‌گذاری به عنوان مهمترین عوامل ایجاد کننده و نیز تأثیر پذیرنده از همگرایی اقتصادی محسوب می‌گردد و از آنجا که همکاری‌های منطقه‌ای ابعاد کوچکتری نسبت به اقتصاد جهانی دارد، لذا شرکت‌کنندگان آن با مشکلات اقتصادی و تجاری کمتری مواجه‌اند. از این رو، کشورهای در حال توسعه نیز به منطقه‌گرایی روی می‌آورند تا از این طریق، اقتصاد خود را در مقابل مشکلات جهانی حفظ کرده و مسائل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل و فصل نمایند و در نهایت، مزیت نسبی و رقابتی خود را افزایش دهند. بنابراین، کشورها به دنبال استفاده از موافقتنامه‌های ترجیحی و اتحادیه‌های اقتصادی و تشکیل بلوک‌های منطقه‌ای هستند تا بتوانند از منافع یکپارچگی‌های تجاری، صرفه‌های ناشی از مقیاس و انتقال فناوری جدید و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی بهره‌جویند.» (شقاقی شهری، ۱۳۹۶: ۳۰) بنابراین همکاری‌های کشورهای منطقه در شاکله موافقتنامه‌های ترجیحی به طور طبیعی موجبی در تشکیل اتحادیه‌های گمرکی می‌گردد که سرانجام به عبور از مانع تعرفه منجر می‌گردد، عبور از این موانع روند گسترش یکپارچگی مزیت‌های محلی کشورها را در کنار اتحادیه‌های گمرکی بهبود می‌بخشد که در نهایت با پشت سر نهادن شدن موانع گمرکی سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز گسترده و گسترش می‌گردد.

موافقتنامه تجاری ضد اعمال متقلبانه^۱

گروهی از کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی همچنین موافقتنامه تجاری چند جانبه ضد اعمال متقلبانه (اکتا) را مذاکره و تصویب نمودند. امضاکنندگان اکتا توافق نموده‌اند که حمایت از اموال معنوی را شدیدتر و گسترده‌تر نمایند. به طور خاص، تمرکز این کشورها بر مسأله جعل علائم تجاری و سرقت ادبی (نقض حقوق مؤلف یا کپی‌رایت) بوده است. توافق اولیه میان کشورهای استرالیا، کانادا، ژاپن، مراکش، زلاندنو، سنگاپور، کره جنوبی و ایالات متحده در سال ۲۰۱۱ امضا شد. در سال ۲۰۱۲ اتحادیه اروپا و ۲۲ عضو آن به همراه مکزیک نیز به موافقتنامه پیوستند. براساس مفاد سند مذکور، اکتا پس از تسلیم ششمین سند تصویب لازم‌الاجرا خواهد شد. تاکنون تنها ژاپن اقدام به تصویب این موافقتنامه نموده است. پارلمان اروپایی با استفاده از قدرتی که معاهده لیسیون به آن اعطا نموده است از تصویب این موافقتنامه اجتناب نمود.

آیا موافقتنامه‌های جمعی جدید باعث تکه تکه شدن و از هم پاشیدن سیستم تجارت چندجانبه خواهند شد یا مسیر خود را به موازات آن سیستم به پیش می‌برد؟ بخشی از هر دو گزاره صحیح است. در مورد حل و فصل اختلافات اقتصادی و تجاری، بروز از هم گسستگی و تشّت اجتناب‌ناپذیر است. با این حال این موافقتنامه‌ها می‌توانند اعضای سازمان تجارت جهانی را به سمت به دست آوردن نتایجی از مذاکرات دور دوحه سوق دهند و آینده بهتری را برای این سازمان رقم بزنند. به طور خلاصه موافقتنامه‌های جمعی جدید ممکن است صرفاً مانع پیشرفت مذاکرات در چارچوب سازمان جهانی تجارت شوند و دلیل این مسأله هم تنوع منابع مذاکره‌کننده و دور شدن توجه‌ها از مسائل مطروح در ژنو است. با این حال چنین توافقنامه‌هایی ممکن است آخرین محرک مذاکره‌کنندگان چند جانبه باشند. مذاکرات دور اروگوئه پس از مدت زمان اندکی به نتیجه رسید. عده‌ای را نظر بر این است که دلیل کوتاه بودن زمان نتیجه‌گیری در این دور اتمام مذاکرات نفتا بوده است. تاریخ نشان داده است که موافقتنامه‌های چند جانبه معمولاً از موافقتنامه‌های جمعی (که تعداد کشورهای کمتری را در بر می‌گیرد و به اراده‌های محدودتری وابسته است) به دست می‌آیند. همچنین نباید فراموش کرد که برخی از موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت در مورد ضددامپینگ، سوبسیدها و اقدامات جبرانی یا موافقتنامه موانع فنی

1. Anti-Counterfeiting Trade Agreement (ACTA)

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —
تجارت و برخی موارد دیگر در نتیجه مذاکرات جمعی ایجاد شدند. بنابراین در حالی که موافقتنامه‌های جمعی جدید عرصه‌های نوینی را پیش چشم به تصویر می‌کشند و نگرانی‌هایی در مورد امکان از هم گسیختن سیستم مذاکرات چند جانبه و دور کردن تمرکزها از سازمان جهانی تجارت ایجاد می‌کنند، ممکن است بتوانند بذر تغییر و پیشرفت در موافقتنامه‌های سازمان را کاشته و آن را ممکن الوقوع نمایند (Meredith, op. cit).

همانطور که از الگوی «خلق سرمایه‌گذاری» و «انحراف سرمایه‌گذاری»^۱ کیندلبرگر (۱۹۶۶)^۲ بر می‌آید، واکنش استراتژیک شرکت‌های چند ملیتی به ایجاد اتحادیه‌های گمرکی در ارتباط مستقیم با اثرات ایستای ابداع تجاری و انحراف تجاری است. با این تدبیر تئوری ابداع و انحراف سرمایه‌گذاری به طور کامل نمی‌تواند پیچیدگی‌های اثرات موافقتنامه‌های ترجیحی منطقه‌ای را توضیح دهد و با افزایش واقعی این روند، مشاهده می‌شود در جریان‌ات سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی مدل درونی سازی و محلی مالکیت^۳ تا حد زیادی مشابه تغییرات انواع سرمایه‌گذاری خارجی و اختلافات بین کشورهای میزبان و مهمان در بخش‌های صنعتی است. با این حال با رصد چهار انگیزه اصلی برای سرمایه‌گذاری خارجی یعنی؛ جستجوگر منابع، جستجوگر بازار، جستجوگری کارایی و در نهایت جستجوگر دارایی، می‌توان جایگاه آن را در موافقتنامه‌ها ترجیحی به روشنی مشاهده کرد.

۲- تأملی بر مبنای حمایت از سرمایه‌گذاری با تکیه بر برخی اسناد موافقتنامه‌ای و قانون حمایت و تشویق از سرمایه‌گذاری

از آنجا که مذاکرات مربوط به موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری موجود طی حدود چهار دهه صورت گرفته است، طبیعتاً محتویات آن‌ها می‌تواند از کشوری به کشور دیگر و از دوره‌ای به دوره دیگر متفاوت باشد. به عبارت دیگر، به طور کلی همه موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری دارای برخی ویژگی‌ها و اصولی کاملاً استاندارد هستند. این اصول و ویژگی همچنین در موافقتنامه‌هایی که طی سال‌های اخیر منعقد شده‌اند، دارای محتوای کمابیش مشابهی هستند. بنابراین می‌توان گفت «وحدت در عین کثرت» بر محتوای موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری حاکم است. بنابراین جذب سرمایه‌گذاران خارجی به عنوان ابزار اساسی نیل به

1. Investment – Creation and Investment -Diversion.

2. Kindleberger, Charles (1966).

3. Ownership, Location, Internalization Model. (OLI)

توسعه در کشورهای در حال توسعه به رسمیت شناخته شده، در این راستا جمهوری اسلامی ایران نیز قوانین و معاهدات متعددی را به تصویب رسانده است. سرمایه‌گذاران خارجی جهت حضور در کشورهایی که از نظام‌های حقوقی و اقتصادی کمتر توسعه یافته برخوردارند، تضمین‌ها و حمایت‌هایی را می‌طلبند، از آن جمله معیار رفتار منصفانه^۱ است که در اغلب موافقتنامه‌های حمایت از سرمایه‌گذاری که ایران با کشورهای دیگر منعقد نموده، درج شده است. این معیار مرکز ثقل حقوق در حال توسعه سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد که هدف آن افزایش جریان سرمایه در سطح جهان و بهبود روابط اقتصادی کشورهاست. (پاسبان و اصغری، ۱۳۹۳: ۴۴) در این خصوص می‌توان به مقدمه موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی، جمهوری اسلامی ایران رجوع کرد که در آن، اهداف و مقاصد مورد نظر ایران و طرف متقابل به این شرح بیان شده است:

«دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت متعهد دیگر: ۱- با علاقمندی به تحکیم و تقویت همکاری‌های اقتصادی در جهت تأمین منافع هر دو دولت، ۲- به کارگیری منابع اقتصادی و امکانات بالقوه خود در امر سرمایه‌گذاری، ۳- ایجاد شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری اتباع طرف‌های متعهد در قلمرو یکدیگر ۴- با تأیید لزوم تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های اتباع طرف‌های متعهد در قلمرو یکدیگر، به متن معاهد توافق می‌نمایند» (میروسی، ۱۳۹۳: ۳۷). با این حال تداوم و استمرار حیات نوپای حقوق سرمایه‌گذاری خارجی که بر پایه معاهدات دو و چند جانبه و حتی موافقتنامه‌های ترجیحی و منطقه‌ای سرمایه‌گذاری و نظام داوری بین‌المللی استوار است، مستلزم ظهور رویکرد جدید با اصول و معیارهایی است که اساسنامه‌های موافقتنامه‌های ترجیحی را تشکیل می‌دهد.

از ویژگی‌های موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری این است که میان طرف‌های نابرابر امضا و اجراء می‌شوند و معمولاً میان کشور توسعه یافته صادرکننده سرمایه و کشور در حال توسعه علاقه‌مند به جلب سرمایه‌گذاری از آن کشور، منعقد می‌گردند. این موضوع را می‌توان در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی در جهان مورد واکاوی قرار داد. چرا که شبکه گسترده معاهدات سرمایه‌گذاری که در این دو دهه منعقد می‌شد، به فراخور شرایط سیاسی و تاریخی حاکم، با تأکید بر حقوق سرمایه‌گذار، و عدم توجه به مسئولیت‌های کشورهای میزبان و مهمان در یک رابطه دراز مدت سرمایه‌گذاری نگارش شده، بنابراین بسیار یک جانبه‌تر از آن است که نیازهای

1. Fair And Equitable Treatment

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —
کنونی را پاسخ گوید، قابل توجه است، در معاهدات حمایت از سرمایه‌گذاری که جمهوری اسلامی ایران در دهه اخیر نیز منعقد کرده، این نگاه یک جانبه مرتفع نشده، تأکید بر حقوق سرمایه‌گذار بدون توجه به تعهدات و تکالیف وی قطعاً غیر منصفانه و ناعادلانه است. (پاسبان و اصغری، ۱۳۹۳: ۴۵)

پس می‌توان برداشت نمود منطق اصلی و هدف اعلامی انعقاد موافقتنامه‌های ترجیحی در بستر سرمایه‌گذاری خارجی، از یک طرف تعهد به حمایت از سرمایه‌ای است که براساس این موافقتنامه‌ها جذب می‌شود و از طرفی دیگر ایجاد تکلیف و تعهد نسبت به سرمایه‌گذار در فرآیند سرمایه‌گذاری است. با این حال اگرچه موافقتنامه‌ها، جریان دو طرفه سرمایه‌گذاری را میان کشورهای عضو مدنظر دارد، اما به اعتقاد صاحب‌نظران، با توجه به اختلاف سطح ثروت و تکنولوژی میان دو کشور در عمل، جریان متقابل سرمایه‌گذاری غالباً عملی نیست. به بیان دیگر، جریان دو طرفه سرمایه‌گذاری که صراحتاً به عنوان هدف و مبنای موافقتنامه‌ها مزبور ذکر می‌شود، تصور و خیالی بیش نیست. (علیدوستی شهرکی، ۱۳۸۴: ۵۸) یعنی با توجه به جایگاه سرمایه‌گذاری در کشورها، آن سرمایه‌گذار است که تکالیفی را برای کشور میزبان در نظر می‌گیرد، به ویژه وقتی کشور متبوع در حوزه کشورهای در حال توسعه قرار داشته و یا بستر سیاسی در آن کشور آنقدر گستردگی تامی نیافته باشد، لذا نوع سرمایه‌گذاری در این کشورها به مثابه نوعی باج می‌ماند.

اهداف مورد نظر در بندهای چهارگانه مندرج در مقدمه موافقتنامه‌های دو جانبه سرمایه‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران و دیگر دولت‌ها که با عنوان «پذیرش و حمایت از سرمایه‌گذاری» تنظیم شده، با ایراد فوق‌الذکر مواجه می‌باشد. در عین حال، عبارت انتهایی در این مقدمه، مقرر داشته «... این پذیرش ممکن است تحت شرایط مشخصی توسط مرجع صلاحیت‌دار موضوع ماده ۱۰ اعطا شود».

به استناد این عبارت، می‌توان برخورد نوعی و برون ذاتی را به معیاری شخصی نزدیک نمود و بسته به مورد، شرایط ویژه‌ای را برای سرمایه‌گذاری خارجی پیش‌بینی کرد. برای مثال، در اعلام چنین شرایطی برای اجرای قانون موافقتنامه متقابل سرمایه‌گذاری کشورمان با سوریه، تسهیل ورود و خروج سرمایه، منافع ملی را تأمین می‌کند، زیرا این امر به معنای تسهیل بازاریابی شرکت‌ها و مؤسسات تولیدکننده فعال کشورمان در کشور سوریه است، در حالی که در بیان شرایط خروج و ورود سرمایه به ایتالیا بهتر است محدود به نیازهای کشورمان از قبیل

اقتصاد مقاومتی، دیپلماسی اقتصادی و موافقتنامه‌های ترجیحی ۵
فناوری و دانش فنی و سرمایه و امکاناتی باشد که تأمین آن در داخل امکانپذیر نیست
(علیدوستی شهرکی، ۱۳۸۹: ۴۹).

به منظور اطمینان دادن به سرمایه‌گذار خارجی راجع به مصادره اموال یا سلب مالکیت یا ورود خسارت، موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری متقابل میان کشورمان و دیگر دولت‌ها، مقررات قابل توجهی پیش‌بینی نموده‌اند.

برای مثال، ماده ۵ موافقتنامه میان ایران و فرانسه، در خصوص مصادره و جبران خسارت مقرر می‌دارد:

«۱- سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاران هر یک از طرف‌های متعاقد توسط طرف متعاقد دیگر ملی، مصادره و سلب مالکیت نخواهد شد و یا تحت تدابیر مشابه قرار نخواهد گرفت، مگر آنکه اقدامات مزبور برای اهداف عمومی به موجب فرآیند قانونی، به روش غیر تبعیض‌آمیز و در مقابل جبران خسارت سریع، مؤثر و مناسب انجام پذیرد. ۲- میزان جبران خسارت باید معادل ارزش سرمایه‌گذاری، بالافاصله قبل از ملی شدن، مصادره یا سلب مالکیت باشد. ۳- خسارت باید بدون تأخیر پرداخت شود. در صورت تأخیر، این خسارت شامل هزینه‌های مربوطه نیز خواهد بود. خسارت باید عملاً قابل پرداخت بوده و آزادانه قابل انتقال باشد.»

مشابه این مقرر را می‌توان در موافقتنامه‌های متقابل تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت‌های ایتالیا (ماده ۴)، قرقیزستان (ماده ۶)، تونس (ماده ۶)، بلغارستان (ماده ۵) و ازبکستان (ماده ۶) ملاحظه کرد. این ماده، سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران هر یک از طرف‌های متعاقد را از سوی طرف دیگر، مصون از «ملی شدن»، «سلب مالکیت» و «مصادره» اعلام می‌کند. این اصل تخلف‌ناپذیر نیست. با این حال، نقض اصل منوط به شرایطی شده که در عمل نگرانی‌های سرمایه‌گذار خارجی را برطرف می‌کند، مطابق این شرایط، اولاً نقض اصل برای اهداف عمومی باشد، ثانیاً به موجب فرآیند قانونی باشد، ثالثاً به روش غیرتبعیض‌آمیز باشد و رابعاً در مقابل، پرداخت خسارت سریع، مؤثر و مناسب انجام پذیرد.

تردید نیست که سرمایه‌گذاران خارجی با محاسبه احتمال بروز خطرات پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده، مبادرت به سرمایه‌گذاری می‌نمایند. با این حال، هرگاه احتمال تحقق این خطرات افزایش یابد، تمایل به سرمایه‌گذاری کم می‌شود. سابقه تاریخی کشورها و سرگذشت سرمایه‌گذاری‌های خارجی در آن‌ها، به مثابه الگویی برای تعیین میزان احتمال بروز خطر برای

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —
سرمایه‌گذاران خارجی است. هر سرمایه‌گذار خارجی، با داشتن سابقه ملی کردن صنعت نفت در ایران یا ملی شدن کانال سوئز در مصر و امثال آن‌ها، تکرار این تجربه را در مورد دارایی‌های خود پیش‌بینی می‌کند. بنابراین، تصویب و تأیید قانونی اصل منع ملی کردن و مصادره و سلب مالکیت و مشابه آنچه در ماده پیش گفته شد، تا حد زیادی از نگرانی سرمایه‌گذار خارجی می‌کاهد. آنچه مسلم است، اشتیاق به جذب سرمایه‌گذاری خارجی نمی‌تواند موجب فراموشی منافع ملی و مصالح عمومی گردد. استثناء وارده بر این اصل نیز در راستای تأمین این مصلحت پیش‌بینی شده است.

از طرفی دیگر اصول در این عرصه مورد توجه سرمایه‌گذاران خارجی، اصل حمایت از سرمایه‌گذاران خرد است که توسط بانک جهانی تهیه می‌شود. این اصل به ارزیابی وضعیت اجرای مؤثر مقررات حاکمیت شرکتی در کشورها می‌پردازد که میزان قدرت محافظت از سهامداران خرد، در برابر سوءاستفاده از دارایی‌های شرکت توسط مدیران در راستای منافع شخصی خود، را اندازه می‌گیرد. ایران در میان کشورهای مورد بررسی به جز اردن و لیبی دارای پایین‌ترین امتیاز در شاخص حمایت از سرمایه‌گذار خرد می‌باشد. کشورهای مالزی، ترکیه، امارات متحده عربی و عربستان سعودی به ترتیب بیشترین حمایت را از سرمایه‌گذار خرد در سال ۲۰۱۵ به عمل آورده‌اند. این در حالی است که در راستای شعار اقتصاد مقاومتی ایران برای گریز از تحریم‌ها ناگزیر به رجوع سرمایه‌گذاری‌های خرد به وسیله شرکت‌های کوچک که تحریم‌های آمریکا بر آن‌ها تأثیری ندارد، خواهد بود. به هر حال برای درک شعار اقتصاد مقاومتی و بازخورد آن در موافقت‌نامه‌های ترجیحی بایست به هم تنیدگی سیستماتیکی بین اقتصاد کشور با اقتصاد جهانی یافت تا تحریم کمتر بتواند موثر بر این پیکره باشد. در این خصوص می‌توان به تجربه قطر نیز اشاره کرد. یعنی اقتصاد مقاومتی با ماهیتی که برای آن تعریف شده را در آنجا می‌توان یافت. نه در ایران که اقتصاد در دست باندهای خصولتی و فاسد ملعبه اندیشه‌هایی بلند پروازانه و شعارهای بدون عمل می‌گردد.

در این راستا برای ملاک‌بندی اصول حاکم در این گستره؛ می‌توان به سرمایه‌گذاری مدرن در راستای نگرش‌های سازمان جهانی تجارت و نیز رویکردهای تریمز نیز اشاره کرد. مشخصه اصلی سرمایه‌گذاری خارجی مدرن، فراهم کردن امکان دسترسی مستقیم سرمایه‌گذاران به مراجع بین‌المللی جهت حل و فصل اختلافات دولت و سرمایه‌گذار است. به طور کلی براساس موافقتنامه‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند دولت میزبان را درباره

اقتصاد مقاومتی، دیپلماسی اقتصادی و موافقتنامه‌های ترجیحی ♦
اختلافات مربوط به تفسیر و اجرای موافقتنامه سرمایه‌گذاری به مراجع داوری بین‌المللی احضار کند (امیری، ۱۳۹۰: ۹).

در شرایط کنونی جهان حاضر موضوع سرمایه‌گذاری خارجی از شاخص‌های مهم فرآیند جهانی شدن اقتصاد و سبب رشد و از عوامل توسعه تجارت بین‌الملل در سطح جهان بوده و اهمیت این پدیده مالی در حوزه اقتصاد و تجارت بین‌الملل در بسیاری از کشورهای در حال توسعه آنگاه نمایان می‌گردد که این قبیل کشورها به هر دلیل از فقدان منابع مالی و پولی داخلی خود رنج می‌برند و لاجرم تصمیم به جذب سرمایه خارجی با اشکال گوناگون آن گرفته و یا بهره‌گیری از منابع خارجی را برای اجرا و تداوم برنامه‌های توسعه اقتصادی و تجاری کشور خویش لازم و ضروری می‌بینند. موضوع جذب سرمایه و حضور سرمایه‌گذار خارجی به صورت شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی در کشور دارای تأثیرات مثبت و یا اثرات نامطلوب و نگرانی‌های ناشی از آن بوده که علاوه بر جلب توجه و نگاه ویژه اقتصاددانان و قانونگذاران سبب گردیده که موضوع مذکور توسط دیگر اقلشارو ارکان علمی جامعه از قبیل سیاسیون و فعالان حوزه اقتصاد مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد و همچنین در گستره تجارت بین‌الملل این موضوع به لحاظ الزامات حقوقی همواره به صورت تخصصی مورد نظر و بررسی حقوقدانان در این حوزه قرار دارد (امیری، ۱۳۹۰: ۱۰).

فرآیند جهانی شدن امروز در سطح بین‌الملل به طور جدی از جانب سازمان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی وابسته به آن مورد حمایت قرار گرفته و به پیش برده می‌شود. در بعد اقتصادی جهانی‌سازی سه سازمان بین‌المللی صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی سیاست‌هایی را در پیش گرفته‌اند که کاملاً در راستای جهانی کردن اقتصاد قرار دارند و با استفاده از ابزارهایی که در اختیارشان قرار دارد، کشورهای مختلف جهان و به ویژه کشورهای در حال توسعه را به سمت سیاست‌هایی که در پیش گرفته‌اند، سوق می‌دهند و کشوری که در راستای این سیاست‌ها حرکت نکند به انحای مختلف تحت فشار قرار می‌گیرد. کشورهایی که در کنار ایران عضو ناظر هستند عمدتاً کشورهایی هستند که توان و ظرفیت اقتصادی ضعیف و بسیار ناچیزی دارند که ایران با این کشورها در یک لیست انتظار قرار دارد. آن‌ها عبارت‌اند از: آندورا، آذربایجان، باهاما، بلاروس، بوتان، بوسنی و هرزگوین، کومور، گینه استوایی، اتیوپی، ایران، عراق، لبنان، لیبی، سائو توما و پرنسیپه، صربستان، سومالی، سودان، سوریه، لست، الجزایر و ازبکستان. شاید قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خود سدی در

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —
مقابل الحاق به سازمان‌های اقتصادی جهانی تلقی گردد که با تحلیل و بررسی جهات مختلف
آن می‌توان آن‌ها را رفع نمود.

۳- توجیه سرمایه‌گذاری خارجی و اقتصاد مقاومتی در پرتو موافقتنامه‌های ترجیحی
جذب سرمایه‌گذاری خارجی از آن جهت حائز اهمیت است که بسیاری از کشورهای مقصد
انتظار دارند با توسعه سرمایه‌گذاری خارجی علاوه بر تجهیز منابع مالی برای توسعه اقتصادی
خود، از فناوری‌های نوین جهان نیز بهره‌مند شوند. پس آنچه می‌تواند در بازخورد با اقتصاد
مقاومتی و سرمایه‌گذاری خارجی تعارض پیدا کند، عدم توجه به مزیت‌ها به الگوهای مناسب
می‌باشد. هر چند برخی معتقدند (شاه‌ویسی، ۱۳۹۵، وب‌سایت) نباید منتظر سرمایه‌گذار خارجی و
به تبع آن سرمایه‌گذاری خارجی باشیم بلکه باید اقتصاد را دانشی‌تر کنیم. اما باید این واقعیت را
قبول کرد در صورتی که امکاناتی برای احیای این اقتصاد پوسیده مهیا نگردد، تولیدکننده داخلی
نیز ریسک عملکرد اقتصادی نمی‌کند. از طرفی در صورت بستن تمامی درها و باز گذاشتن دست
تولیدات انحصاری حاکمیتی، سرانجامی چون ورشکستگی در امر اقتصاد پویا نخواهیم داشت.

این تفکر را می‌توان در برخورد با سرمایه‌گذاری خارجی هم در رویه و هم در عمل با تنگ
نظری و محدودیتی متعارض شاهد بود. مطابق قوانین و مقررات داخلی، در حال حاضر
سرمایه‌گذار خارجی عملاً از دو طریق امکان حضور تجاری در ایران دارد. در صورتی که تمایل به
مشارکت در سرمایه‌گذاری با مالکیت سهم کمتر از ۴۹ درصد را داشته باشد، از طریق تأسیس
شرکت با مشارکت طرف ایرانی و ثبت شرکت مربوطه به عنوان یک شرکت ایرانی اقدام به
ورود سرمایه و سرمایه‌گذاری می‌نماید. در این حالت به دلیل آن که یک شرکت ایرانی به ثبت
رسیده است کلیه حقوق، تعهدات و مزایای یک شرکت ایرانی را خواهد داشت. اما سرمایه‌گذاری
خارجی با مالکیت سهام بیش از ۴۹ درصد هم اکنون تنها از طریق قرار گرفتن تحت شمول
قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایران و آیین‌نامه اجرایی آن (مصوب ۱۳۸۱)
امکانپذیر است. به طوری که در این حالت میزان، محدوده و نحوه سرمایه‌گذاری خارجی
براساس مجوز هیأت سرمایه‌گذاری خارجی مشخص می‌گردد. مطابق این قانون، تملک زمین
برای اشخاص حقیقی خارجی ممنوع است. همچنین نباید سهم ارزش خدمات تولیدی حاصل از
سرمایه‌گذاری‌های خارجی در هر بخش خدماتی از ۲۵ درصد و در هر رشته از ۳۵ درصد بیشتر
باشد. این در حالی است که قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در بر گیرنده هیچ
الزامی در اخذ مجوز از هیأت سرمایه‌گذاری خارجی برای سرمایه‌گذاران نیست و لزوم اخذ مجوز

از این هیأت در سرمایه‌گذاری‌های خارجی با مالکیت بیش از ۴۹ درصد به صورت رویه (عرف) درآمده است بدون آن که مبنای قانونی داشته باشد. (کمالی اردکانی، زارع، ۱۳۸۷: ۲۷)

موضوع دیگری که در این خصوص بایست مدنظر قرار گیرد، این مهم است که: در ماده ۱۹ قانون تشویق و حمایت، ترجیح بر ارجاع اختلافات فی‌مابین دولت و سرمایه‌گذاران خارجی به محاکم داخلی خواهد بود، مگر آن که در موافقتنامه‌های دو جانبه سرمایه‌گذاری با دولت متبوع سرمایه‌گذاران خارجی، که به صورت قانون درآمده‌اند، بر شیوه‌های دیگر حل و فصل اختلافات تفاهم یا توافق شده باشد. این رویکرد نشان می‌دهد که ترجیح دولت جمهوری اسلامی ایران این است که اختلافات سرمایه‌گذاری را به، دادگاه‌های داخلی ارجاع دهد که این خود نمی‌تواند مورد پذیرش سرمایه‌گذاران خارجی قرار بگیرد. از طرفی برجسته‌سازی ترتیبات مقرر در موافقتنامه‌های دو جانبه سرمایه‌گذاری و رجحان آن بر حقوق داخلی موجب بروز تناقض در رفتار ملی عام حاکم در قوانین ملی و موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری است. در عین حال آن دسته از سرمایه‌گذاران خارجی که دولت متبوع آن‌ها با دولت ایران موافقتنامه سرمایه‌گذاری لازم‌الاجرا ندارند، مشمول رفتار تبعیض‌آمیز خواهند شد که این خود عاملی برای عدم حضور آن‌ها در کشور خواهد شد. (کمیته سرمایه‌گذاری خارجی ستاد پسا تحریم اتاق تهران، ۱۳۹۶: ۱۲۷) بنابراین می‌توان در برخی از موارد در موافقتنامه‌های منطقه‌ای و ترجیحی این تالی فاسد را رصد کرد تا موجهی در عدم تمایل و انگیزه سرمایه‌گذار خارجی نباشد.

این عدم انگیزه را می‌توان در بازخورد با برخی از رویکردهای کلان که مورد تفسیر به رأی در بین بنیادها و رانتهای اقتصادی می‌گردد، نیز مورد واکاوی قرار داد. برای تبیین بحث می‌توان به ماهیت اقتصاد مقاومتی به عنوان الگویی از استقامت و استقلال نگریست. اما به نظر می‌رسد، در این حوزه برخی نگرش‌ها اگر به جای بیان کلی و تکراری واژگان مبهمی چون اقتصاد مقاومتی از طرف مجریان دولتی، بهتر است ماهیت و علت طرح آن بیان شود تا جایگاه سرمایه‌گذاری خارجی به لحاظ نظری در اقتصاد مقاومتی آشکار شود. اقتصاد مقاومتی عبارت از یک نظام اقتصادی است که با وجود دشواری‌ها، تهدیدات، خصومت‌ها و تکانه‌های مختلف بتواند اهداف خود را محقق کند. نه اینکه راهکاری مبهم برای اقتصاد بیمار امروز باشد، تا با صرفه‌جویی‌های افراطی توسط مصرف‌کننده از یک سوی و مصرف تولیدات نامرغوب از سوی دیگر، در رانتهای دولتی یکه‌تازی کند. در نهایت نیز این رانتهای خود به عنوان یک مقررات نانوشته و فراقانونی موجهی در انسداد ورود سرمایه و سرمایه‌گذار خارجی به کشور شود. اهداف

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —
اقتصادی انقلاب اسلامی عبارت بودند از استقلال اقتصادی، افزایش رفاه عمومی و بنای اقتصادی پیشرفته اما آنچه در حال تجلی است وابستگی اقتصاد به شرق از ترس نزدیک شدن به غرب، که برآیندی جز عقب‌گرد اقتصاد و در نهایت له کردن کمر عموم در زیر چرخ دنده‌های اقتصادی توهمی و تورمی است.

به هر حال مهمترین شرط جذب سرمایه‌گذاری خارجی، باور عمومی نسبت به کارایی و مفید بودن این منابع در فرآیند توسعه اقتصادی کشور است. تا زمانی که این ایده حاکم باشد که حضور سرمایه‌گذارانی خارجی در کشور ایجاد سلطه می‌کند، این منابع جذب نخواهند شد. باید باور عمومی نخبگان سیاسی با درک واقعیات روز جهان و کشور به این نتیجه برسد که جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی برای توسعه کشور و حیات آن در اقتصاد جهانی امری لازم و ضروری است. این بدان معنا نیست که باید به نام سرمایه‌گذاری خارجی سلطه دیگران را پذیرفت بلکه همانند دیگر کشورها چارچوبی طراحی کرد که سرمایه خارجی جذب شود و سلطه به وجود نیاید. ایران در حال حاضر در یک برآیند خود اختراعی زندگی می‌کند. نظام تصمیم‌گیری کشور باید برآیند کارشناسی‌های مبتنی بر تجربه دیگران و تطبیق دادن با وضعیت سیاسی و اقتصادی خودمان باشد. بنابراین در این رویکرد نظام اقتصادی که حاکم بر چرخ اقتصاد می‌باشد، نباید تفاسیر به رأی در این عرصه تزریق نموده و با توجیحات غیر علمی، از سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری خارجی یک تابو بسازیم. چرا که با این نگرش که تمامی انگیزه‌ها و اهداف آن شرکت‌ها (شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی) به انگیزه استثمار مردم بی‌دفاع کشور می‌باشد، با این تفاوت که این دفعه سلاحشان وابستگی اقتصادی است، دست بعضی تولیدکننده‌های فرصت‌طلب و سودجوهای داخلی را برای تولید محصولات غیرعلمی، بی‌کیفیت داخلی باز گذاشته و این چنین به مردم خیانت می‌کنیم.

با این حال با توجه به افزایش مشارکت کشورهای درحال توسعه در موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی (PTA) در طی دو دهه گذشته، این سوال مطرح می‌شود که شرکت در چنین توافقاتی چه اثری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر جای می‌گذارد؟ لذا، در یک مطالعه به بررسی اثر شرکت در این موافقتنامه‌ها بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با به‌کارگیری الگوی داده‌های تابلویی در مجموعه‌ای از کشورهای منتخب درحال توسعه شامل: آفریقای جنوبی، اردن، ایران، پاناما، پرو، تونس، جمهوری دومینیکن، فیلیپین، کلمبیا، کنگو، مراکش و مصر، طی سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۱۱ پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که مشارکت در موافقتنامه‌های

تجارت ترجیحی اثر مثبت بر ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد و با افزایش اندازه و حجم بازار^۱ (بازاری که مجموع شرکای هر موافقتنامه با یکدیگر تشکیل می‌دهند) و کاهش متوسط فاصله‌ی شرکای موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی، ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش پیدا می‌کند. علاوه بر این نتایج، تحقیق پنج کانال نشان می‌دهد که آزادسازی ترجیحی ممکن است سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تحت تأثیر قرار دهد، شامل: اثرات مستقیم مقررات سرمایه‌گذاری، بهبود در شرایط سرمایه‌گذاری، اثرات غیر مستقیم تغییرات در جریان‌های تجاری، ایجاد یک بازار گسترده و اثرات رشد بلند مدت را نیز شناسایی می‌کند. (رائینی، ۱۳۹۲: ۵)

همچنین هاریس در مطالعه‌ای با استفاده از مدل جاذبه به بررسی میزان تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بین کشورهای عضو بلوک تجاری اپک در دوره زمانی ۱۹۹۴-۱۹۸۲ پرداخته و در یک جمع‌بندی کلی به نتایج به این شرح رسیده که: سرمایه‌گذاری خارجی بین کشورهای منتخب تا اندازه زیادی در ارتباط با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال‌های گذشته بوده است. نیز میزان تولید ناخالص داخلی کشورهای میزبان و مهمان و همچنین میزان ذخایر ارزی در کشور میزبان رابطه مستقیم با سرمایه‌گذاری بین کشورهای عضو اپک را نشان می‌دهد. بنابراین سرمایه‌گذاری خارجی و موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی تا اندازه زیادی مکمل همدیگر هستند. چرا که عضویت در اینگونه توافقات باعث افزایش تقزیماً دو برابر موجودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دو جانبه بین کشورهای عضو شده است. این در حالی است که اندازه بزرگتر بازار در کشور مهمان باعث کاهش موجودی سرمایه‌گذاری خارجی در کشور میزبان شده، لذا اندازه بزرگتر بازار در کشور میزبان تأثیر مثبت بر حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (دو جانبه) ورودی از کشور مهمان دارد. متغیرهایی مانند نرخ تورم و شاخص نشانگر خصوصی‌سازی کشورها ارتباط مستقیم با حجم سرمایه‌گذاری خارجی ورودی نشان می‌دهند، اما حذف این عوامل تأثیر زیادی روی نتایج (اصلی) برآورده نمی‌گذارد.

اهمیت توجه به سرمایه‌گذاری خارجی با ترتیب مقررات مناسب در پرتو موافقتنامه‌های ترجیحی برآیند علیی است که انگیزه‌ای در ایجاد چنین موافقتنامه‌هایی می‌شود. بنابراین علت این استقبال گسترده جهانیان از این چنین همگرایی‌ها و شرکت در موافقتنامه‌ها این است که اکثر کشورهای جهان به خصوص کشورهای در حال توسعه دریافته‌اند که ورود یکباره به اقتصاد

1. Expanded Common Market Size

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

جهانی به دلیل عدم توانایی این کشورها در رقابت با کشورهای پیشرفته می‌تواند تضعیف اقتصاد این کشورها را فراهم آورد و از سوی دیگر نپیوستن به اقتصاد جهانی در بلند مدت امری کاملاً اجتناب‌ناپذیر است و سبب انزوای اقتصادی این کشورها خواهد شد. پس این کشورها باید در این خصوص به راهکاری پناه ببرند تا هم آن‌ها را برای پیوستن به اقتصاد جهانی آماده سازد و هم به ساختار تولیدی و اقتصادی آن‌ها لطمه‌ای وارد نکند. در این راستا ایده تشکیل همگرایی‌های اقتصادی و برقراری موافقتنامه‌های ترجیحی به منظور آشنا ساختن اقتصاد کشورها با روابط آزاد تجاری البته در مقیاس منطقه‌ای و گروهی می‌تواند راهکار بسیار مناسبی در این جهت به شمار آید. از آن جایی که همکاری‌های منطقه‌ای دارای ابعاد کوچکتری نسبت به اقتصاد جهانی است به نظر می‌رسد شرکت کنندگان در آن با مشکلات کمتر اقتصادی و تجاری مواجه باشند.

با این حال ائتلاف الگوهای موافقتنامه‌های ترجیحی از یک سو و مولفه‌های آنچه باید با در نظر گرفتن مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی هدف قرار گیرد، از سوی دیگر، همت عالی برای رفع جدی و سریع موانع سرمایه‌گذاری خارجی باید باشد. در سال ۱۹۸۷ موانع سرمایه‌گذاری در ۳۳ کشور تقریباً مشابه بوده است. در طول ۱۳ سال سرعت اصلاح و رفع موانع در میان این کشورها متفاوت بوده است. در این میان کمترین سرعت مربوط به ایران و سوریه می‌باشد و بالاترین سرعت از آن چین است. همچنین از سال (۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰) ۱۱۸۵ قانون در کشورهای مختلف برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی به تصویب رسیده است. در سال ۲۰۰۰، ۶۵ کشور اقدام به تغییر قانون برای، جذب سرمایه کرده‌اند. این روند، در ایران بسیار کند و بطی بوده است (یلفانی و دیگران، پیشین: ۸). شاید یکی از علت‌های مهم در امر انسداد باب سرمایه‌گذاری خارجی مسدود بودن عرصه موافقتنامه‌های ترجیحی در شاکله توافقات منطقه‌ای باشد. هم اکنون ایران با بیشتر همسایه‌های خود که می‌تواند سرمایه‌های آن را جذب نماید، از نظر دیپلماسی سیاسی دارای اصطکاک منافع می‌باشد، لذا توافقات منطقه‌ای کمتری را شاهد هستیم. بنابراین موانع واردات و صادرات و به تبع آن تعرفه‌های گمرکی نیز به موجب این موضوع بیشتر می‌باشد. بنابراین این مهم موضوعی است که نه تنها نتوانیم از پتانسیل سرمایه‌ای منطقه‌ای بهره ببریم بلکه شعار اقتصاد مقاومتی نیز در شکل بسته آن و پشت دیوارهای تمامیت‌خواهی اقتصادی رانت خواهی حاصل از آن را روز به روز گسترده‌تر می‌نماید.

بنابراین کاهش ریسک سیاسی به اندازه کاهش ریسک اقتصادی در جذب سرمایه‌گذاری

اقتصاد مقاومتی، دیپلماسی اقتصادی و موافقتنامه‌های ترجیحی ♦

مستقیم خارجی باید مورد توجه قرار گیرد. به طور طبیعی سرمایه‌گذاران برای حضور مطمئن در کشوری بیگانه به دولت متبوع خود متکی هستند. در این شرایط اگر روابط دو جانبه دولت میزبان و دولت متبوع سرمایه‌گذار خوب باشد و در عین حال دولت میزبان اعتبار بین‌المللی داشته باشد، این مهم در جلب اعتماد و اطمینان سرمایه‌گذار خارجی برای فعالیت در کشور میزبان بسیار موثر خواهد بود. بنابراین دستگاه دیپلماسی کشور با تنظیم قابل اعتماد روابط دو جانبه و بالا بردن جایگاه سیاسی کشور در این زمینه نقش مهمی می‌تواند ایفا کند. چرا که انعقاد موافقتنامه‌های مختلف با موضوعات متنوع می‌تواند روند رو به رشد سرمایه‌گذاری خارجی (به دلیل تقلیل تعرفه‌های گمرکی و) را افزایش دهد.

اغلب کشورهای در حال توسعه برای پیشرفت و رونق‌دهی به اوضاع اقتصادی و انجام بسیاری فعالیت‌ها با کمبود منابع در سرمایه‌گذاری روبه‌رو هستند. چنانچه بستر قانونی و امنیت سرمایه‌گذاری در این کشورها فراهم شود سرمایه‌گذاران خارجی میل و رغبت بیشتری برای حضور در این کشورها را دارند. کشور ایران هم از کشورهای در حال توسعه است که برای پیشرفت احتیاج به منابع مالی و سرمایه‌گذاری خارجی دارد اما با تحریم چند دهه اخیر تاکنون یا مانع از ورود سرمایه خارجی شده‌اند و یا در صورت ورود، سرمایه‌گذاری انجام‌شده بسیار محدود بوده است (گلبنی و امسیا، ۱۳۹۲: ۸۷).

اقتصاد مقاومتی به عنوان تنها الگوی مدیریتی در بستر اقتصاد ایران، به دنبال دستیابی به منافع بالقوه جهانی شدن در سایه مدیریت اقتصادی و سیاستگذاری کارآمد از جانب سیاستگذاران، به منظور دستیابی به نشاط اقتصادی بوده و به هیچ عنوان به معنی انزوایی و دور شدن از عرصه‌های جهانی نیست. به تعبیر نگارنده در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در بند ۱۰ آن به موضوع تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم جهت صادرات کالا و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات پرداخته و در بند ۱۲ آن نیز افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور را از طریق استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی و استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای اعلام داشته و این خود گویای این است که اقتصاد مقاومتی نه تنها مخالفتی با جذب سرمایه‌گذار و حضور و عضویت در سازمان‌های بین‌المللی نداشته بلکه یکی از سیاست‌های کلی آن نیز می‌باشد.

بدون شک جذب سرمایه‌گذار خارجی و حضور منابع مالی آن‌ها در کشور علاوه بر اینکه موجبات رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد بر ارتقاء جایگاه کشور در ابعاد مختلف امنیتی، سیاسی و

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

اجتماعی در سطح بین‌المللی می‌افزاید اما جذب سرمایه‌گذار به مؤلفه‌های زیادی بستگی دارد که باید در کشور ظهور و بروز پیدا کند اول اینکه مقررات مربوط به تشویق و حمایت از سرمایه‌گذار خارجی مورد بازنگری قرار گیرد و موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای آن به حداقل ممکن برسد. دوم اینکه بخشی تحت عنوان بخش خصولتی (شرکت‌های شبه خصوصی، شرکت‌های شبه دولتی و شبه عمومی، به نوعی شرکت‌های بی‌هویت اما قدرتمند) در کشور قدرتمند شده و این موجبی است تا امکان مذاکره و جذب سرمایه‌گذار خارجی همراه با رانت و فساد صورت پذیرد که طبیعتاً نمی‌تواند در پیشبرد سرمایه‌گذاری در کشور کمک باشد زیرا آنچه مدنظر است منافع دولتی است نه منافع عمومی و ملی. البته با توجه به اینکه تجربه نشان داده که سرمایه‌گذاری داخلی در قالب اشخاص حقوقی خصولتی غالباً با مفاسدی همراه بوده و یا پس از چندی به ورشکستگی واحدهای اقتصادی و تولیدی منتهی گردیده یا کاربرد خود را به سمت خام‌فروشی برده و تولید را با توجیه عدم اقتصادی بودن موضوع منکر می‌شوند؛ بهتر است بانک‌ها و مؤسسات مالی خصوصی در قالب کنسرسیوم‌های اقتصادی و حتی مشارکت با سرمایه‌گذاران خارجی اقدام به ایجاد سرمایه‌گذاری در عرصه‌های مختلف اقتصادی و تولیدی نمایند.

سوم اینکه آنچه در اقتصاد مقاومتی مورد اهمیت است اینکه در حوزه محصولات صادراتی مهم که در دنیا دارای اعتبار می‌باشد مثل خرما، پسته، زعفران، مواد پتروشیمی هم از لحاظ میزان رشد و تولیدی آن‌ها و هم از لحاظ کیفیت عرضه آن‌ها در بسته‌بندی‌های شکیل و تجاری اقدامات مؤثری ایجاد شود به طوری که مسیر کشاورزی یا صنعتی در کشور در جهت توسعه و افزایش تولید این محصولات رفته تا کشور در این حوزه‌ها بتواند از حداکثر فایده این محصولات در فروش بهره‌مند گردد.

چهارم اینکه با توجه به اینکه عضویت در سازمان‌های بین‌المللی قطعاً همراه با دادن امتیازاتی خواهد بود که اقتصاد بیمار کشور را بیمارتر می‌کند عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت با شرایط اقتصادی فعلی اصلاً میسر نیست و با توجه به وضعیتی که در آن به سر می‌بریم از سم هم برای ایران مهلک‌تر و خطرناک‌تر است تنها راه برون‌رفت از این موضوع مدیریت جهادی از طریق ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و احیاء و نوسازی صنایع داخلی از طریق جذب مشاوران خارجی و انتقال علوم جدید به این حوزه و سپس در مرحله بعد جذب سرمایه‌گذاران کشورهای دوست و مشارکت در ایجاد صنایعی که امکان رقابت در فضای اقتصادی بین‌المللی را داشته باشد بعد از گذشتن از این مراحل کشور می‌تواند آرام‌آرام به سمت عضویت دائم در

سازمان جهانی تجارت حرکت نماید.

. با توجه به جدول ۱ و مقایسه‌ی آمارهای بین‌المللی در خصوص محیط کسب و کار به این نکته پی برده می‌شود که با وجود ارتقا ۲۶ پله‌ای در طول سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ همچنان در وضعیت مناسبی قرار نداریم.

جدول شماره ۱ وضعیت ایران در شاخص سهولت فضای کسب و کار

در مقایسه با کشورهای منطقه

۲۰۱۶ (از ۱۸۹ کشور)	۲۰۱۵ (از ۱۸۹ کشور)	۲۰۱۴ (از ۱۸۹ کشور)	۲۰۱۳ (از ۱۸۵ کشور)	۲۰۱۲ (از ۱۸۲ کشور)	
۱۱۸	۱۳۰	۱۵۲	۱۴۵	۱۴۴	ایران
۵۵	۵۵	۶۹	۷۱	۷۱	ترکیه
۸۲	۴۹	۲۶	۲۲	۱۲	عربستان

با این اوصاف و بازخورد این موضوع در اقتصاد کشور، بازگو کردن دو موضوع از اهمیت اساسی برخوردار می‌باشد. ابتدا جذب سرمایه‌گذاری خارجی به وسیله انعقاد موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی و منطقه‌ای و دیگر الحاق به سازمان جهانی تجارت و نیز موافقتنامه‌های آن به ویژه موافقتنامه تریمز می‌باشد. چرا که «اکثر کشورهای منطقه یا عضو سازمان هستند و یا زودتر از ایران عضو خواهند شد که این می‌تواند به کاهش جدی دسترسی ایران به بازارهای منطقه بیانجامد. از طرفی تجارت چندجانبه زمینه ساز بهبود شاخص‌های رقابت‌پذیری، بهره‌وری، شفافیت و فضای کسب و کار خواهد بود» (قاسمیان، ۱۳۹۴: ۱۰) که انزوا طلبی در اقتصاد با تفسیر اینگونه اقتصاد مقاومتی برآیندی جز این ماحصل نخواهد داشت.

همچنین ایران اقتصادی‌ترین مسیر برای انتقال نفت و گاز از دریای خزر به اروپا و امریکاست؛ در حالی که انتقال نفت خام جمهوری آذربایجان به بازارهای اروپا معادل ۳ میلیارد دلار هزینه دارد که از مسیر ایران این هزینه به یک میلیارد دلار هم نمی‌رسد. این موضوع می‌تواند برای ایران موافقتنامه‌های ترجیحی و منطقه‌ای مناسبی را رقم بزند که علاوه بر سرمایه‌گذاری خارجی جهت حمل از این شاهراه، به منابع و مواد اولیه ارزان‌تری جهت تولیدات بخش داخلی خود نائل آید. حتی موقعیت ایران در خلیج فارس و دریای عمان، علاوه بر داشتن ذخایر عظیم نفتی یک موقعیت استراتژیک و سوق‌الجیشی نسبت به کشورهای منطقه است و اگر این موقعیت را در چارچوبی که بیش از ۹۹ درصد همسایگان ایران وارد سازمان جهانی تجارت شده‌اند و به نوعی هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی را قبول کرده‌اند، تحلیل کنیم، متوجه

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —
می‌شویم که چرا ایران پیش از آنکه به طور رسمی در هم‌پیوندی با اقتصاد جهان قرار گیرد، باید
زمینه ورود خود را آماده کند. این فاصله از اقتصاد جهانی وابستگی کشور را به اقتصادهای بزرگ
آسیایی، اروپایی روز به روز بیشتر می‌کند که فرجام آن عدم موفقیت اقتصاد مقاومتی در بستر
جامعه خواهد بود.

امروز حجم نقدینگی در کشور بسیار بالاست و با توجه به تحریم‌های سخت و ناجوانمردانه
امریکا وضعیت کشور به گونه‌ای است که اتکا به تولید داخلی بیش از پیش افزایش یافته و قطعاً
حجم واردات بسیار کاهش خواهد یافت. به نظر نگارنده این مقوله نه تنها یک تهدید بلکه یک
فرصت طلایی برای رقابت‌پذیر کردن صنایع کشور با صنایع دنیا است. هر چند این فرصت نزدیک
به چهل سال است که اقتصاد و صنعت ایران را در بر گرفته است. اما می‌توان بی‌مدیریتی، رانت،
رشد بی‌وقفه و گسترده شرکت‌های خصولتی و عدم توجه به موافقتنامه‌های منطقه‌ای و تجارت
ترجیحی و به تبع آن‌ها جذب سرمایه‌گذار خارجی، فرآیندی منزوی را شاهد بود نه پیشرفت در
زمینه‌هایی که هر روز ادعا آن‌ها را داریم.

۴- دیپلماسی اقتصادی رهیافتی برای ائتلاف موافقتنامه‌های ترجیحی و اقتصاد مقاومتی
با توجه به اینکه دیپلماسی اقتصادی پدیده‌ای جدید، اما رو به فزونی است، پس دیپلماسی
اقتصادی، مجموعه‌ای از اقداماتی (هم در مورد روش‌ها و هم در مورد فرآیندهای تصمیم‌گیری
بین‌المللی) است که با فعالیتهای اقتصادی برون مرزی، نقش آفرینان دولتی و غیردولتی در
جهان واقع ارتباط دارد. این فعالیتهای اقتصادی شامل سرمایه‌گذاری، صادرات، واردات، کمک
و اعانه، مهاجرت و ... می‌شوند. ویژگی عصر حاضر در واقع همان شدت روابط چندجانبه بین
دولت‌ها و مردم در سراسر جهان است. این ویژگی باعث می‌شود فرصت‌های بازرگانی شگرف و
بزرگی در بازارهای نوظهور پدید آید و این ظرفیت اقتصادی دلیلی برای توجه روزافزون
دانشمندان و سیاستگذاران به دیپلماسی اقتصادی و سیاست بازرگانی است. (ون برژیک، ۱۳۹۴:
۶۳)

بنابراین بایست مبنای اقتصاد خارجی کشور را با دیپلماسی سیاسی بهم تنیده و با وفق
گریزگاه‌هایی که به صورت موقت می‌تواند جایگزینی برای غیبت عدم عضویت در سازمان
جهانی تجارت شود، این مهم را گسترش داد. شاید موافقت‌نامه‌های ترجیحی این پتانسیل را
داشته باشد که بتواند کشور را در این ورطه و کارزار اقتصادی پویا نگهدارد. اما خصیصه و ماهیت
موافقتنامه‌های ترجیحی طبعی برد - برد داشته و با اعتقاد بر این عرصه برد - برد شکل

می‌گیرد، بنابراین نگرش‌هایی که همیشه بر این کارزار داشته‌ایم و تنها به برد یک طرفه نگاه می‌کردیم، نه تنها ما را به سرانجامی نمی‌رساند بلکه تنها از همیشه در عرصه منطقه‌ای به عنوان راهکاری برای برون رفت از این موقعیت خواهیم شد. در تحقیقی که در این راستا و در خصوص موافقتنامه دو جانبه ترجیحی بین ایران و پاکستان منعقد شده و در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ مورد بررسی قرار گرفته است، نشان داده شده شاخص درجه توسعه یافتگی در هر سه دوره (۲۰۰۶-۲۰۰۸) بیانگر آن است که موافقتنامه از بین سه مرحله زیر توسعه یافتگی، در حال توسعه یافتگی و توسعه یافتگی آزاد سازی تجاری همواره در همان مرحله اول یعنی زیر توسعه یافتگی آزاد سازی تجاری قرار دارد. (ثاقب، فتحی و صادقی، ۱۳۹۲: ۲۸) بنابراین در هر سه دوره سیاست انقباضی در جهت آزاد سازی تجاری و تعرفه‌ها وجود دارد که می‌تواند خود موجبی در عدم کارایی اینگونه موافقتنامه‌ها باشد.

بنابراین جهانی شدن و جهان شمولی به طور عام و جهانگرایی و جهانشمولی اقتصادی به طور خاص رفته رفته از دفترچه خاطرات «گلوبالیسم»، رخت بر بسته و جهان نوع دیگری از تفکر مبتنی بر ملیت‌گرایی را تجربه می‌کند. این رویکرد به رهبری آمریکا و نگرش‌های «ترامپیسیسم» گلوبال اروپایی را به کنار نهاده و این واقعیت را القاء می‌کند که جهانی شدن تحت لوای ملیت‌گرایی و ناسیونالیسم قرار می‌دهد. این یک واقعیت است که تجارت از سیاست (پرچم) تبعیت می‌کند، حال این پرچم ممکن است پرچم کمونیست شرق باشد یا لیبرال غرب. بنابراین در عرصه اقتصاد نیز آنچه نباید مدنظر قرار گیرد ایدئولوژی‌های افراطی است که بایست تحت لوای ملی‌گرایی قرار گیرد تا بتواند اوضاع آشفته اقتصاد کشور را حداقل در عرصه منطقه‌ای سامان بخشد. مسلم‌گرایی حتی در دیپلماسی سیاسی به امری ورشکسته مبدل شده است، حال آنکه آن را در دیپلماسی اقتصادی قرار دادن گرفتار آمدن در باتلاقی است، که بیرون آمدن از آن تبعات و توالی فاسد بیشماری دارد.

بنابراین در اقتصاد سیاسی جدید بین‌الملل، دولت‌ها نمی‌توانند نقش بسیاری از کنشگران غیردولتی همچون شهروندان و سازمان‌های اقتصادی مردم نهاد را در عرصه روابط خارجی نادیده بگیرند. از طرفی، دیپلماسی اقتصادی مدرن، به دلیل تأکید بر انگاره دولت محوری، از بسیاری از پویایی‌های نظام اقتصادی جدید، باز می‌ماند. پس، تحلیل راهبردهای اقتصادی جدید برخی از کشورها مستلزم گذار از مبانی دیپلماسی اقتصادی مدرن به اصول دیپلماسی اقتصادی پسامدرن است. بنا به تعریف صاحب‌نظران، دیپلماسی اقتصادی پسامدرن، هنر افزایش منافع ملی

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —
از طریق مبادلات پایدار اطلاعات اقتصادی میان دولت‌ها، ملت‌ها و دیگر گروه‌ها جهت مدیریت سازمان‌ها و ائتلاف‌های کثیرالمنافع است. (داوند و موسوی شفایی، ۱۳۹۶: ۹۳)

بنابراین در جهان امروز دیپلماسی اقتصادی یکی از وجوه دیپلماسی مدرن شده است. این دیپلماسی مثل همتای خود یعنی دیپلماسی سیاسی نیاز به فضای باز داشته تا بتوان با انعطاف اهداف، ملی‌گرایی را در آن پیش برد. در این راستا بهتر است اماری را در اینجا نقل نمود: «براساس اندازه‌گیری به عمل آمده از طریق بنیاد هربیتیج در خصوص شاخص آزادی اقتصادی در سال ۲۰۱۳ آفریقای جنوبی با رتبه ۷۴ بهترین جایگاه (دارای اقتصادی نسبتاً باز) را بین کشورهای مورد مطالعه از آن خود نموده است. ایران نیز با ارزش ۴۳/۲ رتبه ۱۶۸ را میان کشورهای جهان کسب نموده است و بدترین وضعیت (دارای اقتصادی کاملاً بسته) را بین کشورهای مورد مطالعه دارد.» (سعیدی، سعیدی و دهقان، ۱۳۹۳: ۱۱۲)

قرار گرفتن اقتصاد در مرکز سیاست و قدرت، جابجایی در مولفه‌های تعیین بخش امنیت در سطح جهانی را به دنبال داشته و کشورهای هژمون طلب را بر آن داشته تا از این اهرم برای مهار ناامنی‌ها و تنظیم رفتار دولت-ملت‌ها حداکثر استفاده را ببرند. گستردگی حوزه دیپلماسی اقتصادی به گونه‌ای است که توفیق در آن مستلزم شناخت عمیق از تحولات جهانی و الزامات داخلی و هماهنگی همه دستگاه‌های دخیل است. اینکه دیپلماسی اقتصادی چه نقشی در فرآیند سیاستگذاری و هدایت آن متناسب با شرایط داخلی و خارجی کشور دارد و چگونه می‌توان از ظرفیت‌های آن برای ارتقای جایگاه ایران در جهان استفاده کرد، پرسشی است که این پژوهش در پی پاسخ به آن است. (حیدری و انعامی علمداری، ۱۳۹۱: ۳۹)

نتیجه‌گیری:

توسعه اقتصادی و بهره از منافع اقتصادی امروزه در گرو این واقعیت است که از حقایق سیاسی بایست رفع تنش کرد. یعنی دیپلماسی اقتصادی را در راستای دیپلماسی سیاسی بدون تفوق هر یک بر دیگری در راستای منافع ملی پیش برد. این دیپلماسی اعم از اینکه جهانشمولی اقتصاد را باید مدنظر داشته باشد، برای شروع بایست منطقه‌گرایی و موافقت‌نامه‌های برآیند از آن را توسعه دهد. جهت خط سیر منطقه‌گرایی جدید نیز از منطقه‌گرایی قدیم متفاوت است. منطقه‌گرایی نوین - برخلاف منطقه‌گرایی قدیم که از بالا به وسیله دولت‌ها و یا ابر قدرتها تحمیل می‌شد، مدلی از پایین به بالا است و به صورت خودجوش به وسیله ارتباطات کارکردی

اقتصاد مقاومتی، دیپلماسی اقتصادی و موافقتنامه‌های ترجیحی

در شرایط باز تعریف منافع ملی و فرآیندها ساخته می‌شوند. به لحاظ گستره نیز، گستره و قلمروی منطقه‌گرایی جدید نیز گسترش یافته است. باید خاطر نشان ساخت که در اغلب موارد نیز منطقه‌گرایی برحسب درجه انسجام اجتماعی (زبان، قومیت، نژاد، فرهنگ، مذهب، تاریخ و آگاهی از میراث مشترک)، انسجام اقتصادی (الگوهای تجاری و مکمل بودن اقتصادی)، انسجام سیاسی (نوع رژیم و ایدئولوژی) و انسجام سازمانی (وجود نهادهای رسمی منطقه‌ای) تجزیه و تحلیل می‌شود، بنابراین تحت این شرایط به وابستگی متقابل منطقه‌ای توجهی خاص مبذول می‌گردد.

به هر حال با رهیافت‌های مولفه محور اقتصاد مقاومتی و تزریق نوعی منطقه‌گرایی در آن می‌توان با رفع تنش از دیپلماسی سیاسی کشور، به دیپلماسی اقتصاد منسجمی رسید که در پی انعقاد موافقتنامه‌های مختلف ترجیحی جذب سرمایه‌گذار خارجی نمود. پس با توجه به آنچه در بازخورد با دیپلماسی اقتصاد امروزی که مکمل سیاست‌گذاری خارجی هر حاکمیتی تلقی می‌گردد، بجای انزوا طلبی و برداشت‌های غیر منطقی از اقتصاد مقاومتی به نظر باید کشور را برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت آماده نماییم. کما اینکه منطقه‌گرایی تجارت ترجیحی نیز تحت نفوذ دیپلماسی عربی کم کم منطقه را مسخر خود نموده و با ریخت و پاش دلارهای نفتی رد پای آن‌ها را می‌توان در هر جای این منطقه مشاهده نمود.

به هر حال آنچه در خصوص دیپلماسی اقتصادی با توجه به جایگاه اقتصاد مقاومتی از یک سو و سعی در جذب سرمایه‌گذار خارجی به موجب موافقتنامه‌های ترجیحی از سوی دیگر، می‌توان با اقدامات ذیل این مهم را فراهم آورد.

نخست: در حوزه قوانین و مقررات بازنگری جامعی نسبت به موانع متعدد تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای براساس سیاست‌های توسعه‌ای و گسترش سرمایه‌گذاری بالاخص در قوانین امور گمرکی، تشویق به صادرات و واردات (البته بدون رانت‌ها و کارترهای حاکمیتی) همچنین قوانین مناقصه‌ها، و استفاده از حداکثر توان مهندسی و تولیدی و... توسط کار گروهی از حقوقدانان برجسته و اقتصاددانان فعال (بدون دیدگاه‌های سیاست زده ایدئولوژی محور) در حوزه سرمایه‌گذاری صورت گیرد. البته به نظر می‌رسد این اصلحیه‌ها هم باید در ادوار هر ۵ سال یک بار به روز شده و همگام با تغییرات جهانشمولی پیش رود. این مهم می‌تواند قوانین را به یک شیب مناسب به سمت آزاد سازی تجاری و آنچه مدنظر سازمان جهانی تجارت است، اصلاح نمود. چرا که عجله برای اینکار با توجه به دشمنی آمریکا و کشورهای عربی معلوم نیست کشور را به

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —
زودی در سازمان جهانی تجارت عضو نماید.

دوم اینکه: در قوانین و مقررات جدید نیز مثل قوانین سالانه و برنامه توسعه هم اصول حاکم بر WTO و موافقتنامه‌های آن رعایت شود.

سوم؛ اینکه باید خودمان را در کنار اقتصاد جهانی تعریف کنیم نه در مقابل آن، بنابراین بهترین سیاست تجاری در حال حاضر انعقاد موافقتنامه‌های تجارت آزاد با کشورهایی که بازار هدف آن‌ها را تشکیل می‌دهیم می‌باشد و نرخ تعرفه را برای آن‌ها صفر نماییم. همه کشورها به دلیل عضویت در WTO دسترسی به خدمات مجانی پیدا کرده‌اند و این هزینه‌ها را پایین آورده و به آن‌ها امکان داده که کیفیت تولیدات خود را در سطح کیفیت تولیدات جهانی بالا ببرند.

به عنوان مثال قطعات خودرو در حداقل ۳۰ کشور مختلف تولید و حداقل از ۵۰ گمرک عبور می‌کند تا بدست خودرو ساز برسد. اگر نرخ تعرفه گمرکی بالا باشد کشورها نمی‌توانند تولید خودرو اقتصادی داشته باشند بر همین اساس موافقتنامه‌های تسهیل تجاری منعقد می‌گردد که گمرکات با سهولت بیشتری عمل نمایند. پس چاره‌ای جز انعقاد موافقتنامه‌های دو یا چند جانبه با کشورهای جامعه هدف خود نداریم. البته با انگیزه‌ای برد - برد نه رویکردی مبتنی بر برد یکطرفه، آنچه تاکنون رهیافت بوده و در هیچ یک موفقیتی برای کشور نتوانسته‌ایم کسب کنیم. چهارم اینکه: جهت رقابت‌پذیری صنایع داخلی در حال حاضر که در وضعیت تحریم بوده و واردات وجود ندارد بهترین فرصت برای ارتقاء وضعیت صنایع داخلی است. بدین نحو که حال که بازار فروش مناسب است بهره‌گیری از مشاوران خارجی و ورود سرمایه‌گذاران از کشورها دارای تفاهم مشترک اقدام به نوسازی صنایع و ارتقاء کیفی تولیدات آن‌ها نماییم. این بستر برای کوتاه مدت به نفع کشور است، البته صناعی که توان رقابت وجود دارد.

پنجم؛ بخش خصوصی توانمند شده و از اختصاصی سازی بیرون آمده و شرکت‌های خصوصی به بخش خصوصی واگذار و این بخش ترغیب به جذب سرمایه‌گذاری خارجی گردد. ششم؛ برای جذب نقدینگی بازار، ضمن شناسایی پروژه‌های پر سود مثل اتوبان تهران شمال یا صنایع پتروشیمی اقدام به صدور اوراق مشارکت در این پروژه‌ها با سود بانکی مناسب انجام دهیم.

هفتم؛ مدیریت منطقی منطبق با علم روز مبتنی بر شعار جهادی «ما می‌توانیم» در همه حوزه‌ها و احیاء فرهنگ سرمایه‌گذاری در ایجاد اعتماد برای سرمایه‌گذاران خارجی، پس قوانین با هدف جذب بیشتر سرمایه‌گذار باید اصلاح و تغییر یابند. قطعاً روند صعودی سرمایه‌گذاری ایجاد

اقتصاد مقاومتی، دیپلماسی اقتصادی و موافقتنامه‌های ترجیحی ◊ _____
ثبات و امنیت کشور را در پی خواهد داشت، البته با اصلاح واقعی قوانین؛ چرا که قوانین فعلی
سرمایه‌گریز هستند تا جاذب سرمایه.

منابع

الف: منابع فارسی

- هنجنی، سیدعلی؛ و استاد زاده، ابوالفضل (۱۳۹۶). «مفهوم سرمایه‌گذاری خارجی در قوانین داخلی و معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری و آراء دادگاه‌های داوری بین‌المللی»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، ۲۰(۳)، ش ۷۹.
- پاسبان، محمد رضا، اصغری، زینب (۱۳۹۳). «نقش رفتار منصفانه در حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی با تاکید بر مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی»، **فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی**، سال ۳، ش ۸.
- یلفانی، امیر؛ رضا کاظمی، فاطمه؛ و مصدق، فاطمه (۱۳۹۵). «بررسی اثرات و پیامدهای تحریم بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و رابطه اقتصاد مقاومتی با کاهش اثرات منفی تحریم»، **ماهنامه شباک** (شبکه اطلاعات کنفرانسهای کشور)، ۲ (۲)، شماره پیاپی ۹، (جلد ۱ مطالعات علوم انسانی).
- منطقی، نیکزاد، تقوی، مهدی (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر موافقتنامه تجارت ترجیحی بر روی توسعه تجارت خارجی با استفاده از مدل اسمارت (مطالعه موردی ایران، ترکیه و پاکستان)»، **پژوهشنامه اقتصادی**، دوره ۸، شماره ۲۹.
- کمالی اردکانی، مسعود (۱۳۸۴). «نگرش سازمان جهانی تجارت به ترتیبات تجاری منطقه‌ای»، **فصلنامه بررسی‌های بازرگانی**، ش ۱۶.
- میروسی، علیرضا (۱۳۹۳). **حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری**، تهران: نشر پردیس.
- علیدوستی شهرکی، ناصر (۱۳۸۴). **جنبه‌های حقوقی امنیتی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- علیدوستی شهرکی، ناصر (۱۳۸۹). **حقوق سرمایه‌گذاری خارجی**، تهران: انتشارات خرسندی.
- امیری، فاطمه (۱۳۹۰). «حل و فصل اختلافات در سرمایه‌گذاری خارجی»، **روزنامه اعتماد**، شماره ۲۳۰۲.
- کمیته سرمایه‌گذاری خارجی ستاد پسا تحریم اتاق تهران (۱۳۹۶). **مطالعه تطبیقی قوانین سرمایه‌گذاری خارجی ایران با چند کشور منتخب**، اتاق بازرگانی، صنایع معادن و کشاورزی تهران.
- رائینی، علیه (۱۳۹۲). **بررسی اثر موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی بر ورود**

- اقتصاد مقاومتی، دیپلماسی اقتصادی و موافقتنامه‌های ترجیحی ۵
- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب در حال توسعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فرودوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، گروه اقتصاد دانشگاه مشهد.
- گلینی، رحمن؛ و امسیا، المیرا (۱۳۹۲). «اثرات تحریم بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران»، **اولین کنفرانس ملی جایگاه مدیریت، و حسابداری در دنیای نوین کسب و کار، اقتصاد و فرهنگ**، علی آباد کتول: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول.
- قاسمیان، عاطفه (۱۳۹۴). **مروری بر وضعیت تجاری ایران با تأکید بر پیوستن به سازمان تجارت جهانی**، تهران: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران.
- ون برژیک، پتر (۱۳۹۴). «کاوشی نو در دیپلماسی اقتصادی»، ترجمه علی عرب صالحی نصر آبادی، **مجله اقتصادی**، ش ۳ و ۴.
- داوند، محمد، موسوی شفیعی، مسعود (۱۳۹۶)، «تأثیر دیپلماسی اقتصادی پسامدرن بر تحقق اهداف اقتصاد داخلی ایالات متحده آمریکا (۲۰۰۹ - ۲۰۱۲ م)»، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۷، شماره ۲۴.
- سیفی اردبیلی، داود و فتحی نژاد، شهرام (۱۳۹۲)، **حقوق سرمایه‌گذاری خارجی**، تهران: جهاد دانشگاهی.
- پیران، حسین (۱۳۸۹). **مسائل حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی**، تهران: انتشارات گنج دانش.
- مرادی، بهنام و مهدی ایران‌پرست (۱۳۸۵). «سرمایه‌گذاری خارجی، موانع و راهکارهای آن»، **سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت**.
- حیدری، محمد، انعامی علمداری، سهراب (۱۳۹۱). «دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، سال ۸، ش ۲۰.
- موحد، فاطمه (۱۳۸۵). «منطقه‌گرایی و WTO»، **مجله روند**، ش ۵۰ و ۵۱.
- ثاقب، حسن، فتحی، یحیی، صادقی، ملیحه (۱۳۹۲). «چارچوبی برای ارزیابی عملکرد موافقتنامه‌های تجاری (مطالعه موردی pfta بین ایران و پاکستان)»، **فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی**، ش ۶۷.
- سعیدی، رضا، سعیدی، خلیل، دهقانی، علی (۱۳۹۳). «امکان سنجی ایجاد موافقتنامه تجارت ترجیحی ایران با کشورهای گروه بریکس»، **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، سال ۲۲، ش ۶۹.
- شفاقی شهری، وحید (۱۳۹۶). «یکپارچگی اقتصادی - منطقه‌ای و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی متقابل (برآورد مدل جاذبه برای کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی)»، **فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی**، ش ۸۴.

— ◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸

ب: منابع لاتین

-Lewis, Meredith Kolsky (2013). **Plurilateral Trade Negotiations: Supplanting or Supplementing the Multilateral Trading System?**. **ASIL Insights**, 17 (17), available at: <https://www.asil.org/insights/volume/17/issue/17/plurilateral-trade-negotiations-supplanting-or-supplementing>

-Limão, Nuno, (2016), **PREFERENTIAL TRADE AGREEMENTS, NATIONAL BUREAU OF ECONOMIC RESEARCH 1050 Massachusetts Avenue Cambridge, MA 02138**